

مالیه کشور در زمان قاجار

اصول مالی دوران نادری وزند همچنان تازمان قاجار ادامه داشت در آغاز دوران قاجار آقامحمدخان مدتی گرفتار کشمکشها و جنگهای داخلی در فارس و کرمان وری و خراسان و داغستان و غیره بود و وصول مالیاتها نظم درستی نداشت و چون او مرد حسابگری بود مقداری از جواهرات نادری را که پراکنده بود گردآوری کرد و خزانه مملکت را از جواهر اندوخته ساخت و همینکه از جنگهای داخلی فراغت یافت در دریافت مالیاتها سخت گیری نمود تا هزینه لشگر کشیها تأمین گردد .

در زمان آقامحمدخان مدتی کارهای دیوانی و مالی در دست حاجی ابراهیم بود و گاه وزیری برای امور محاسبات و مالیه تعیین میشد که مستوفیان زیر نظر او بودند در زمان صدارت میرزا شفیع حاجی محمد حسین نظام الدوله مباشر امور مالیه بود و پیش ازین صاحب این منصب را امین الدوله میخواندند ^۱ امین الدوله و مباشران مالیه و مستوفیان از میان کارداران و کارگزاران برگزیده میشدند .

مستوفیان در خانه هائی گرد میآمدند و در آنجا بکارهای مستوفیگری مانند گردآوری مالیه و خرج مانند وظایف و مستمریات و مواجب کشوری و لشگری رسیدگی میکردند این خانه را دفترخانه میگفتند .

۱- تاریخ سرجان ملک چاپ مطبعه ناصری بهی صفحه ۲۲۲ .

فتحعلیشاه قاجار بر اثر ولخرجی و عیاشی دست بیگانگان را در کارهای کشور بازگذاشت درباره روش وصول مالیات سرجان ملکم مینویسد :

«طریقه جمع‌مالیه ایران چنان با اداره احکام عدلیه این مملکت آمیخته و مرتبط است که نمیتوان آنرا باب جداگانه‌ای قرارداد و بعضی اوقات صاحب دیوان عدالت و محصل مالیات یکنفر است . . .»

در زمان فتحعلیشاه مالیات‌ها درست وصول نمیشد در خراسان مدتی کامران میرزا خود سرانه حکومت میکرد و خراج ناچیزی بدربار می‌فرستاد . در این زمان کارهای وصول مالیات و دیوانی در دفتری تمرکز یافت و این از ابتکارهای عباس میرزا بود .

وزیر دفتر متصدی کارهای مالی بود و برای گردآوری مالیات دفتری و دیوانی موظف بود .

عباس میرزا با همه گرفتاری‌هایی که در جنگها داشت بیاری میرزا عیسی فراهانی قائم‌مقام در تعدیل مالیات‌ها کوشید عباس میرزا دستور داد که در آذربایجان مالیات‌ها عادلانه گرفته شود و دیناری بیش از میزان تعیین شده از کسی گرفته نشود .

چون عباس میرزا بخراسان رفت باج و خراج ترکمن‌ها را که مدت‌ها نمی‌پرداختند دوباره برقرار داشت . وقتی فتحعلیشاه متوجه شد که برای هزینه‌های درباری و جنگی نیاز به دریافت مالیات‌ها دارد و مالیات‌ها بدرستی وصول نمیشود ازینرو در اواخر سلطنت که هزینه‌هایی در جنگهای ایران و روس پیش آمده بود شاه دستور داد برای وصول بقایای مالیات ایالات به نیروی قشون متوسل شوند . مدتی بود حقوق دیوانی و مالیات از ایران و قره‌باغ نمی‌رسید و در زمان فتحعلیشاه ، حسینعلی میرزا فرمانفرما حاکم فارس نیز مدتی یاغی

شده مالیات و حقوق دیوانی را نمیپرداخت ناچار فتحعلیشاه پس از پایان جنگ باروسیه و عقد پیمان ترکمانچای باقشونی برای وصول حقوق عقب افتاده بفارس رفت و فرمانفرما از در اطاعت درآمد. همچنین حسنعلی میرزا شجاع السلطنه والی خراسان پسر دیگرشاه یاغی بود او نیز از پرداخت حقوق دیوانی خودداری میکرد پس از پایان جنگ ایران و روس فتحعلیشاه قشونی بخراسان فرستاد او نیز از در اطاعت درآمد.^۳

درآمد دولت از محل مالیاتها در زمان فتحعلیشاه را پنج کرویر تومان تخمین زده اند و کشور را به پنج بخش تقسیم کرده بودند که برای هر بخش يك کرویر تومان مالیات تعیین شده بود. درباره درآمد دولت ایران نوشته اند:

« مالیه معین ایران که حال معادل سه میلیون استرلینگ است کلیه از محصول خالصه و اربابی و مال التجاره از هر قبیل حاصل میشود. »^۴

در زمان فتحعلیشاه و محمدشاه بخصوص حاج میرزا آغاسی دهات خالصه زیاد شد و برخی از موقوفات که متولی و صاحبی نداشت ضبط شد. درباره املاك خالصه سر جان ملکم مینویسد:

« املاك خالصه را در هر جا هست دهاقین همانجا زراعت میکنند بطوریکه مناسب بحال زارع است زمینهای خالصه را که زراعت آن فقط بسته بآب باران است بزارع میدهند و ده يك از حاصل بدیوان میدهند زمینهای اربابی از روی آب مالیه میدهند. »^۵

۳- تاریخ مفصل ایران تألیف اقبال آشتیانی صفحه ۸۰۸ .

۴- درسالهای ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۵ میلادی تاریخ سر جان ملکم چاپ مطبعه ناصری بمبئی صفحه ۲۳۹ و ۲۴۰.

۵- تاریخ سر جان ملکم صفحه ۲۴۰ .

در این زمان برای هر چند خالصه يك امین مالیه تعیین میشد که عواید را برای دولت گردآوری نماید .

در وقایع سال ۱۲۲۰ نوشته اند حاجی محمد حسین خان امین الدوله اصفهانی منصب مستوفی الممالکی یافت .^۶
 « پس از فتحعلیشاه علی میرزا ظل السلطان پسر فتحعلیشاه تهران را گرفت و بنام علیشاه بر تخت نشست و بصرف اندوخته و خزانه دولتی و اسراف و تبذیر مشغول بود »^۷

اما در زمان محمدشاه هنوز بقایای مالیاتی فارس از زمان فرمانفرما و بقایای خراسان از زمان کامران میرزا و شجاع السلطنه و برخی ولایات باقی بود میرزا ابوالقاسم فراهانی قائم مقام ثانی صدراعظم پس از دفع ظل السلطان (عادلشاه) به تنظیم امور پرداخت در زمان محمد شاه قاجار امور دیوانی به میرزا ابوالقاسم قائم مقام محول شد و اوسیستم مالیاتی و طرز وصول مالیات در ایران را روی بنه بندی^۸ اراضی برقرار کرد مالیات ارضی و برگک بنیچه مالیاتی (مالیات سربازگیری) عبارت از دریافت سهمی بعنوان مالیات و سربازگیری از هر مالک ده یا دهکده یا ولایات بوسیله مستوفیان بوده است. بعدها بنیچه بندی بصورتی درآمد که اصناف و پیشه وران را نیز شامل شد در صورتیکه در آغاز اساس بنیچه بندی بر بن گذشته بود و هر کس مالک بن بیشتری بود بنیچه بیشتری بر او تعلق میگرفت و باید سرباز بدهد بهمین جهت به رئیس مالیه بندار نیز گفته اند .^۹

۶- مرآت البلدان صنیع الدوله صفحه ۵۳۰ چاپ مطبعه دولتی .

۷- تاریخ مفصل ایران تألیف اقبال آشتیانی صفحه ۸۰۹ .

۸- بنه آب و خاک ملکی است و بنیچه مالیاتی که براملاک و اصناف بندند .

۹- تاریخ دارائی ایران نوشته نگارنده چاپ سوم صفحه ۹۸ .

دریافت مالیات بدینگونه و ترتیب دادن بنیچه سربازگیری از تمهیدات میرزا ابوالقاسم قائم مقام است که شالوده تازه‌ای برای قشون ایران و سربازگیری ریخته‌که توأم با سیستم مالیاتی بود بدین معنی که برای هرده و دهستانی تعدادی سرباز تعیین شده بود که اگر اهالی قبول سربازی نمی‌کردند ناچار بودند هزینه نگاهداری آن عده سرباز را روی بنیچه بندی بپردازند و اگر شخصی حاضر بخدمت سربازی نمیشد عوضی برای خود بخدمت سربازی می‌فرستاد و هزینه او را بعهد می‌گرفت و تا آخر حکومت قاجار نیز این رسم متداول بود چنانکه وقتی در سربازخانه‌ها میگفتند ، حسن عوض علی یعنی حسن که بعوض علی و بهزینه او بسر بازی فرستاده شده است درمدت خدمت سربازی دولت بسر بازان جیره جنسی و مختصری مواجب نقد می‌پرداخت که در ششماه مرخصی به نصف تقلیل می‌یافت حقوق ششماه مرخصی افواج بنام ششماه محلی در دستورالعمل (بودجه) هر ولایت بخرج گذاشته میشد و هر سال در دستورالعمل هر ولایت هزینه افواج ساخلو نیز تعیین میشد متأسفانه محمدشاه پیراثر تحریکات جهان‌خانم مهد علیا میرزا ابوالقاسم قائم مقام آن مردکاردان را در عمارت نگارستان در سال ۱۲۵۱ هجری قمری خفه کرد و زمینه را برای روی کار آمدن حاج میرزا آقاسی فراهم کرد در وقایع زمان محمدشاه نوشته‌اند : « موقعی که شاه پشت دیوار هرات بود حاجی میرزا آقاسی در وصول مالیات و رساندن اسلحه و خواربار و مهمات منتهای سعی و کوشش را بعمل می‌آورد و فداکاری خود را نسبت به شاگرد سابق و پادشاه خود ظاهر ساخت ^۱ در نتیجه در بازگشت شاه وی را بصدارت رسانید ولی عامل دیگر تمایل مهد علیا بود حاج میرزا آقاسی مرد زیرک و نالایقی بود ازینرو

۱۰- زندگانی من صفحه ۴۷ دفتر اول چاپ دوم .

وضع مالی کشور روز بروز روبه خرابی میرفت حکام بدلخواه از مردم بعنوانین مختلف مالیات و وجوه دیگر دریافت میداشتند در زمان محمد شاه بهنگام صدارت محمدخان امیر نظام املاک ممیزی شد و این اساس تا زمان امیرکبیر برجا بود . ۱۱

از زمان محمد شاه مالیات بوسیله والیان و حکام و نایب-الحکومه ها و کسخدایان بدلخواه و عنف وصول میشد و مأموران وصول بمردم اجحاف میکردند . گاه کار وصول میان رعیت و عمال حکومت بکشمکش و زدو خورد میکشید حکام نیز آنچه بدین طریق وصول میکردند بخزانه و مرکز نمی فرستادند و دولت نیز با آنها برای وصول مالیات دریافتی کشمکش داشت ازینرو مقرر شد اگر حاکمی حساب دوره تصدی خود را ندهد و حساب دولت را تصفیه ننماید باو کاری ارجاع نشود اگرچه مقامات حکومتی غالباً خرید و فروش میشد برخی از متنفذان و اشراف نیز از پرداخت مالیات شانه خالی میکردند و بقایای مالیاتها انباشته میشد . علاوه بر مالیات باج و صادر و قلقانه برای مخارج اضافی گرفته میشد و اقسام اینگونه درآمدها زیاد بود و علاوه براینها صادرات وسیله حکام برای جبران کمبود مالیات گرفته میشد .

سیورسات آذوقه و خواروباری بود که از مردم دهات برای نگهداری قشون و مأموران دولت دریافت میشد . علاوه براین رسم تیول و سیور غال اگرچه در زمان آقامحمدخان مدتی متروک گشت ولی دوباره گرفته میشود و املاکی به شاهزادگان و علما و اشراف واگذار گشت که درآمد آنها اختصاص بآنها داشت .

مالیات از محصول صیفی و شتوی تابیست در صد گرفته میشد و این

رسم تامدتی بعد ادامه داشت سایکس مینویسد : ۱۲ « از محصول دوبار مالیات گرفته میشد یادر دوقسط یکی موقع برداشت محصول یعنی در پائیز و دیگر هنگام بهار» اما این اشتباه است زیرا در بهار هیچگاه مالیات گرفته نمیشد چون هنگام بهار درآمد رعیت بیشتر صرف کشت شده و سیاه بهار معروفست که بدترین موقعی است که رعیت در آن موقع تنگدست است اگر بهار مالیاتی دریافت میشد پس از جو درو در نقاط گرمسیر بوده است که محصول آنها زود دست میداد.

از قدیم عوامل برداشت تخم و آب و زمین و گاو و کار (رعیت) بوده که چون غالباً زمین و آب از ارباب بوده سهم اربابی فزونی داشته و گاه تخم و گاو نیز از آن ارباب بوده است و رعیت تنها یک یاد و کوت از پنج کوت می برده است و سهم مالیات ارضی از سهم ارباب پرداخت میشده .

از ایلات هنگام کوچ و خوش نشینی و جوهی بنام مالیات خانوار^{۱۳} دریافت میشد از هر خانوار در حدود پنج قران مطلق العنانی یا از شمارش اغنام و احشامی که داشتند مالیات میگرفتند و اگر اغنام و احشام آنها در املاک خالصه و دولتی چرا میکردند حقی بعنوان علف چرنیز از آنها گرفته میشده است .

بابت مالیات مطلق العنانی از ۳۴ قران تا هشت تومان میگرفتند که پس از پرداخت اجازه نامه ای بنام تعلیفه دریافت میداشتند و برای ایلاتی که این حقوق را میپرداختند مأموران دولت هنگام کوچ در راه امنیت برقرار میکردند. برخی از منابع عایدات بتیول اشخاص داده میشد و علاوه بر مالیاتهای گفته شده مخارج دیوانی و هزینه اقامت مأموران در ولایات بمعهد مردم بود .

۱۲- تاریخ سربررسی سایکس ترجمه فخر داعی گیلانی .

۱۳- مالیات خانوار طبق قانون مصوب ۲۰ آذرماه ۱۳۰۵ از اول سال ۱۳۰۶ در همه کشور لغو شد .

مالیه در زمان ناصرالدین شاه

در آغاز سلطنت ناصرالدینشاه پس از دفع مدعیان سلطنت امیرکبیر پس از نیل بمقام صدارت عظمی و فراغت از کار مدعیان سلطنت با اصلاحات مالی و اداری و فرهنگی همت گماشت و در آغاز جلوی درآمدهای نامشروع حکام و عمال دولت را گرفت و با رشوه خواری مبارزه کرد و از بذل و بخششهای بی‌جا از خزانه دولت وسیله شاه و مه‌دعلیاملکه مادر جلوگیری کرد، رشوه خواری و سوء استفاده را برانداخت بسیاری از وظایف و مستمری‌های شاهزادگان و اعیان و علما را که سربار خزانه کشور بود قطع کرد و در تیولات که در اختیار اشخاص گذاشته شده بود تجدید نظر نموده حقوق مأموران وصول و عمال دولت را تعیین کرد و بوضع مالیه کشور سر و صورتی داد و برای وصول مالیات و نگاهداری پول و مصرف خزانه مقررات جدیدی وضع کرد و امور مالی کشور را بر اساس نوینی استوار داشت در توازن بودجه کوشش نمود. امیرکبیر برای اجرای این منظور یکی از فرزندان محمدعلی میرزا پسر فتحعلیشاه را برای مطالعه در امور مالی و جمع آوری قوانین مالیه بفرانسه اعزام داشت و او نیز در این باره مطالعات کافی بعمل آورد و بسیاری از مقررات جاری فرانسه را کسب و با خود بارمغان آورد. ۱۴

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

ناصرالدینشاه در آغاز سلطنت خود براهنمائی امیرکبیر برای رفاه مردم و برای معافیت برخی از اصناف فرمانهای صادر کرد و از جمله برای معافیت دو صنف خباز و علاف تهران در سال ۱۲۶۸ هجری - قمری فرمانی صادر کرد که در مسجد شاه ضبط است و بعد این فرمان برای همه کشور تعمیم یافت و همچنین برای بخشودگی دو صنف نانوا و قصاب از مالیات فرمانی بشرح زیر صادر نمود:

«امروز که بسیامن الطاف شامله خداوند متعال و مشیت»
 «کامله قادر ذوالجلال تخت و تاج کیان را بوجود مسعود ما»
 «مزین و باج و خراج مملکت ایران را درکف کفایت ما معین»
 «فرمود سال اول جلوس میمنت مانوس به تخت سلطنت»
 «موروثی است بشکر این نعمت عظمی پرعایت بندگان خداکه»
 «ودایع کردکار قدیرند میپردازیم و تسمه‌پیل امر معیشت آنها را»
 «اولین درجه آسودگی و حمیت خاطرات و جبهه همت ملوکانه میسازیم»
 «عمده معاش نوع انسان بگوشت و نان است و باین ملاحظه»
 «اعلیحضرت همایون شاهنشاه شهیدمبرور البسه‌اله تعالی صل‌النور»
 «محض مشویات اخرویه امر و مقرر فرموده بودند که عوارض مالیاتی»
 «دیوانی قصاب و خبازی دارالخلافت تهران من جمیع الجهات معاف»
 «بوده مباشران دیوان و جهات من الوجوه متعرض مباشرین این دو»
 «صنف بهیچ اسم و رسم نشوند.»

توجه امیرکبیر باصلاح امور مالی کشور و جلوگیری از حیف و میل
 و اسراف و تبذیر در خزانه مملکتی از نامه‌ای که در سال ۱۲۶۶ -
 هجری در باره اضافه مواجب یکی از درباریان بنام صراالدین شاه نوشته
 است بخوبی استنباط میشود که اینک برای نمونه بنقل آن میپردازیم:
 «قربان خاک پای جواهر آسای همایونت شوم - حسب الامر»
 «مواجب قوانلو را گفتم بدهند اطمینان دارم که من بعد امر مبارک»
 «برای تعیین و تزئین مواجب این و آن شرفصدور نمییابد - باولاد»
 «ذکور قوانلو باید در ولایات شغل داد که سربار بار نیایند مال دولت»
 «و مردم و آنچه در خزانه هست اگر حفظ نکنیم ضررش دامنگیر»
 «مملکت میشود. شاه‌قلی میرزا که پریروز مراجعت کرده اطلاعاتی»
 «دارد شیوه کار را باید تغییر داد گفته‌ام کتابی بنویسد که اجزاء»
 «تعلیم بگیرند.»

کتابخانه مدرسه شهیدمیرزا

در این زمان امیرکبیر با دقت و دلسوزی خاصی از هرگونه

اسراف و تبذیر و هزینه‌های زاید و بیمورد جلوگیری مینمود امیرکبیر دستور داد با استفاده از مقررات مالی فرانسه کتابهایی درباره چگونگی گرد آوری و وصولی مالیاتها و طرزکار مأموران مالیه نوشته شود.

بدنبال این اقدامات در سال ۱۲۶۷ هجری یعنی یکسال بعد سازمان نوینی برای امور مالی و حفظ تمرکز بیت‌المال و وصول مالیات داده شد و بدستور امیرکبیر حوزه‌های مالیاتی در سراسر کشور بوجود آمد که درحقیقت بمنزله پیشکاریهای امروز بود و از این زمان شالوده سازمان مالیه کشور بر اصول تازه‌ای ریخته شد. پس از تشکیل این حوزه‌های مالیاتی که هر یک زیر نظر یک مستوفی اداره میشد حکام ولایات کلیه امور مالیاتی حوزه فرمانروائی خود را که پیش از آن مستقیم زیر نظر داشتند بمستوفی‌ها محول داشتند هر مستوفی چهار دفتر در اختیار داشت و هر یک از مستوفیان طبق دفتر جزو جمع مالیات و ابوابجمعی خود را وصول میکرد. در دفترچه حکام ستونی بنام تفاوت عمل بود که بخشودگیهای دهات مخروبه و آفت زده در آن ستون تفاوت عمل نوشته میشد و اینکار بسته به نظر و خواست حاکم بود. یک نسخه کتابچه دستورالعمل در دست مستوفیان و سررشته‌داران و پیشکاران بود و نسخه دیگر نزد حکام. مستوفیان خاصه و سررشته‌داران سیاهه جمع و خرج را تنظیم و به مستوفی‌الممالک تقدیم میداشتند. مستوفی‌الممالک در مرکز بحساب آنها رسیدگی مینمود و چون آذربایجان و لیمعهد نشین بود قائم‌مقام و لیمعهد یا پیشکار او بکارهای ایالتی و مالیاتی رسیدگی میکرد و این رسم در زمان امیرکبیر نبود و پس از وی چنین شد. با اینهمه عواید متمرکز نبود در کتابچه‌های دستورالعمل مبلغی برای مخارج پیش‌بینی میشد و مالیات اراضی نقدی و جنسی دریافت میشد و مازاد را بمرکز میفرستادند.

با اقدام امیرکبیر درباره اختیارات مستوفیان از نفوذ و قدرت بیحد و حصر حکام کاسته شد و مأمورین مالیات نظارت مستقیم و کامل در خرج و دخل مملکتی پیدا کردند علاوه بر این وزیرمسئول خزانه و هیئت مأمور رسیدگی بخرج و دخل بجای آنکه با همه ولایات و شهرستانها تماس داشته باشند فقط با شش مستوفی مسئول حوزه‌های ششگانه مالیاتی ارتباط داشت و اینکار امروز نیز مطابق اصولمدیریت است .

مهمتر از همه در سیستم تازه مالیاتی برخلاف گذشته نظارت بر خزانه را صدراعظم مستقیم زیر نظر گرفت و از نوسانهائی که در بودجه کل بروز میکرد جلوگیری شد پیش از این اقدام مصلحانه امیرکبیر بدستور شاه فرمانهائی برای بذل و بخشش و تعیین مقرری باشخاص از خزانه صادر میشد و مخارجی از قبیل انعامهای درباریان یا هزینه‌های تفننی بعمل می‌آوردند که در نتیجه هر سال خزانه با کمبود و دولت با کسر بودجه روبرو میشد و ناگزیر میبایستی از ذخایر و منابع دیگر برداشت شود حتی برای مصارف جاری و ام خارجی گرفته شود عبدالله رازی ضمن بیان اقدامات اساسی امیرکبیر یکی تعادل بودجه را ذکر میکند و مینویسد :

«چون قبل از او (امیرکبیر) بواسطه اهمال حاج میرزا آقاسی مخارج کشور دوکرور برعایدات فزونی داشت^{۱۵}» امیرکبیر در نخستین وهله دست عمال حکومتی را از جان و مال مردم کوتاه کرد و رشوه‌گیری و تقدیم تعارفات و هدایا را منع کرد و دفترهائی ترتیب داد تا مخارج و مصرف هر وجهی که از خزانه برداشت میشود معین کنند و در آن ثبت شود و برای دربار و هر قسمت دوائر دولتی بودجه‌ای جداگانه ترتیب داد تا هزینه‌های هر قسمت در حدود بودجه و اعتبار پیش‌بینی شده باشد و شخصا از هرگونه هزینه‌ای که علل قانع‌کننده

۱۵- تاریخ کامل ایران صفحه ۴۸۷ چاپ دوم .

و مصرف ضروری نداشت جلوگیری میکرد باین ترتیب نخستین گام برای اصلاح امور مالی کشور و پی ریزی بنیاد مالیه نوین در زمان امیر-کبیر برداشته شد چون امیرکبیر جلوی استفاده گروهی بیکاره و سربار جامعه را گرفت و ناصرالدین شاه و مهدعلیا را از لحاظ مالی و بذل و بخششها در فشار گذاشت نقشه طرد و کشتن اورا کشیدند و در سال ۱۲۶۸ هجری امیر کبیر کشته شد .

میرزا نصراله خان نوری معروف به آقاخان پسر اسداله خان نوری لشکر نویس باشی بود او نیز در بیست سالگی لشکر نویس و سپس لشکر نویس باشی شد پس از امیرکبیر بسمت وزیر لشکر و صدراعظم منصوب شد .

میرزا آقاخان نوری به دسایس مهد علیا بصدارت رسید او مرد نالایقی بود میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله لقب یافت و پس از آنکه بصدرات رسید مقدراری از مستمریات و مقرریهارا که در زمان امیرکبیر قطع شده بود برقرار داشت و چون وضع مالی و اداری آشفته شد ناصرالدین شاه میرزا آقاخان نوری را در محرم ۱۲۷۵ از کار برکنار کرد و مدتی صدراعظم تعیین نمود و مالیه مملکت زیر نظر مستقیم شاه و نظارت او بود وزیران و مستوفیان بدون اجازه شاه حق خرج و برداشت از خزانه نداشتند در سال ۱۲۷۶ دارالشورای کبرای دولتی نخست با پنج وزیر تشکیل شد. در این زمان برای انتظام امور مملکتی شاه دستور داد شش وزارتخانه تأسیس شود برای هر وزارتخانه وزیری گماشت و مجلس شورای وزراء یا مجلس دربار اعظم تشکیل شد مدتی شاه سرپرستی آنها را خود بعهده گرفت یکی از این وزارتخانه ها وزارت مالیه بمسئولیت میرزا یوسف مستوفی الممالک که از رجال نیک نام بود اداره میشد ناصرالدین شاه ناچار شد بواسطه آشفتگی اوضاع مالی دستور دهد کلیه مقررات و برنامه هائی که امیرکبیر برقرار کرده بود و پس از او کم و بیش

متروک مانده بود از نو بمرحله اجرا درآید و در نتیجه این تغییر و تحول بر شماره حوزه‌های مالیاتی افزوده گشت و دولت به هر یک از شهرستانها نماینده‌ای فرستاد تا زیر امر حاکم و با نظر مستوفیان و سررشته داران بوصول مالیات و حقوق دیوانی بپردازند .

باید گفت ایالت بلوچستان بتمامی تا زمان صدارت امیرکبیر جزو ایران بود و خراج سالانه می‌پرداخت اما پس از امیرکبیر در نتیجه پیش‌آمدن انقلابهای افغانستان و خراسان بخش شرقی بلوچستان در نتیجه ضعف حکومت مرکزی و تحریکات انگلیسیها دچار اغتشاش شد و پس از آنکه انگلیسیها خط تلگراف هندواروپ را که از سراسر ایران میگذشت در سال ۱۲۸۰ به بندر گوادر رساندند بعنوان تعیین مرز ایران و سرزمین هندوستان بخش شرقی بلوچستان را از ایران مجزی کردند و قسمتی را بعنوان بلوچستان انگلیس درکناره دریا زیر نظر گرفتند و قسمتی را از خانها با مبلغی اجاره کرده بعنوان بلوچستان استیجاری و قسمت مرکزی را که ریگزار بود و جز جماز سوار نمیتوانست آنجا برود بلوچستان مستقل شناختند .

در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری وضع مالی مملکت آشفته گشته بود .

در سال ۱۲۸۱ میرزا محمد خان قاجار بنام سپهسالار اعظم بصدارت برگزیده شد سپهسالار اعظم سرپرستی وزارتخانه های مالیه و جنگ و وزارت خارجه را بعهده گرفت .

در سال ۱۲۸۹ ناصرالدین شاه امتیاز راه آهن رشت تهران و تهران تاکنار خلیج فارس را برای هفتاد سال بی مطالعه بیک انگلیسی بنام بارون رویتر واگذار کرد و از جمله امتیاز اخبار و بهره برداری از کانهای ایران بااستثنای طلا و نقره و سنگهای قیمتی و امتیاز جنگلها و قنوات و تأسیس بانک و پست و تلگراف و کارخانهها و صدور کالای بازرگانی را باو واگذار کرد قرار بود رویتر از

آغاز سال ۱۲۹۱ آغاز بکار کند اما چون نتوانست به تعهدات سنگین خود در مدت قرارداد عمل کند چهل هزار لیره ودیعه او را دولت ضبط کرد.

در سال ۱۲۹۰ هجری مشیرالدوله از صدارت استعفا داد و از آن پس تا چند سال کسی باین سمت انتخاب نشد. امین السلطان در این فاصله مدتی وزیر دربار اعظم بود و کارهای دولتی و دیوانی زیر نظر شاه اداره میشد.

در این زمان گاه مالیات بزور قشون و توپ و تفنگک وصول میشد اکنون یکی از دستخطهای ناصرالدینشاه در سال ۱۲۹۱ هـ خطاب به علاءالدوله وزیر دربار درباره اداره قشون و وصول مالیات و کتابچه های دیوانی و مصارف آن چنین است :

«جناب علاءالدوله در ضمن ترتیب ادارات مستقله مقرر شده»
 «بود که در امور استقلال واقعه در اداره هریک از وزرای فحام»
 «دولت هرگونه مداخله ممنوع و تا همه جا استقلال واقتدار مرحمت»
 «شده است و به این حال امر قشون و مالیات و محاکمات آن ولایات»
 «بلا استثناء از صاحب آن اداره خواسته میشود. از جمله اقساط.»
 «و وجوه نقدیه و جنس باقی به حسب کتابچه هاست که در ادارات»
 «مختصه آن جناب بشرح ذیل معین است. از اقساط مشروحه آنچه»
 «الی حال رسیده و به خزانه تحویل شده است یا به موجب حواله»
 «جات دیوانی به مصارف مقرر رسیده است محسوب و باقی را اهتمام»
 «نماید در وعده معین به دیوانیان پرداخته سند بگیرند. مسئولیت»
 «تأخیر ادای آنرا به عهده آن جناب گذاشته ایم و البته کفایت و»
 «مراقبت آن جناب مانع حدوث هرگونه تعویق و تأخیر خواهد بود.»

شهر جمادی الثانی ۱۲۹۱

دستخط بالا را ناصرالدینشاه در سال ۱۲۹۱ خطاب به علاءالدوله درباره قشون و مالیات و درباره کتابچه های دیوانی و مصارف آن

نوشته است .

در زیر تلگرافی است از صدیق الممالک شیبانی امیر تومان «حاکم دشتی و دشتستان به فرمانفرمای کل فارس صاحب»
اختیار غفاری :

«در مورد اعزام توپ و سرباز برای وصول مالیات و پرداخت»
«حقوق افراد حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف»
«اعظم آقای وزیرمخصوص مدظله العالی مأموریت غلام نیمه اخیر»
«سال لدی الورود دشتستان اغتشاش شیراز بدذاتی خوانین این»
«صفحه که هیچوقت بی استعمال توپ و تفنگ دیناری مالیات نداده اند»
«عادی و بمهربانی نمیباشند پس از توجه بندگان حضرت اشرف»
«مدظله امور فارس منظم و غلام مورد مرحمت برای وصول مالیات»
«اهرم تنگستان اردو فرستاده حالا واجب و الزم مسئله سرباز»
«بموجب دستورالعمل نیمه اخیر سنه ماضیه جیره پرداخته چهار»
«صد و هفتاد تومان از مواجب علی الحساب داده بعداً مطالبه تتمه مواجب»
«و تفاوت جیره قبل از مأموریت دشتستان و جیره هذه السنه عریض»
«خود آنها و غلام به حاج لطفعلی خان میرپنجه بی نتیجه میرپنجه»
«گویا برای تصفیه حساب آجودان میفرستم حضرت اجل اشرف آقای»
«سردار اکرم روحی فداه میفرماید تمام حقوق فرجی را میرپنجه»
«گرفته نان جو یکمن سی شاهی تمام برهنه گرسنه در کار فرار از»
«شدت گرسنگی دیروز شیفور کشید که اردو شکسته فرار نمایند»
«یاور توپ خانه و آقا میرزا علی فرستاده غلام که رئیس اردو»
«میباشند سرباز دو سه روزی ساکت مستدعی است که به میرپنجه»
«حکم فرمایند آجودان برای تصفیه حساب روانه . دستورالعمل»
«برای حقوق جدیده مرحمت فرمایند شاید جلوگیری شود .»

تلگراف بالا نشان دهنده آنست که در آن زمان غالباً بازور توپ

وسرنیزه مالیات وصول میشده است .
اینک سند دیگر از فرمان شاه به علاءالدوله :

علاءالدوله :

« تلگرافهای حسام السلطنه را دیدم . اگرچه راست و صحیح
« نوشته است اما هر حاکمی در اول ورود این قسم چیزها را ابدأ
« باید بنویسد . تلگرافها را بدهید وزرای مختار دربار اعظم
« ملاحظه کنند هر قسم صلاح میدانند جواب به حسام السلطنه
« بنویسند یا تلگراف بزنند . آنچه اعتقاد من است امساله باید
« زور زیادی ، یعنی به قدر اندازه . به حسام السلطنه بدهید که در
« خدمات دولت و وصول اقساط عذری نداشته باشد . سه فوج
« اصفهان را که با سهام الدوله فرستاده اید يك فوج دیگر هم لازم
« شد بفرستید باقی را سواره برای فارس بفرستید . سوار تازه
« نفس خوب بیشتر به کار می خورد تا پیاده . برای اردوی خراسان
« از سوار آذربایجانی زیاد خواسته بودید ، امساله به قدر پانصد
« سوار خوب به فارس بفرستید ، زیاد نیست . با چهار فوج که سه
« فوج اصفهانی باشد يك فوج هم علاوه بر آن . دیگر آن وقت هیچ
« راه عذری برای شاهزاده نیست . »

« پنجاه نفر علاوه هم که خواسته است از فارس بگیرد وزراء
« اذن بدهند بگیرد ، عیب ندارد . با تلگراف اولاً استعلام بکنید از
« خود حسام السلطنه که امساله از قشون چه زوری لازم دارد و چه
« میخواهد . اگر به همین اندازه ها که من نوشتم بخواهد که بسیار
« خوب باید فرستاده شود . اگر کمتر یا بیشتر بخواهد به عرض
« برساند این دستخط را بدهید وزراء به بینند . در وصول باقی
« اقساط و تنخواه مهد علیا هم سخت بگیرد عذر قبول نکند . »

این دستخط خطاب به علاءالدوله در پاسخ تلگرافهای حسام السلطنه

والی فارس برای وصول مالیات نوشته شده است.

فرمان ناصرالدینشاه درباره وظایف وزیران :

فرمان زیر را ناصرالدینشاه قاجار برای تعیین وظایف وزیران صادر نمود .

تکلیف وزرای پنجگانه که بعد ششگانه شد :

«اولاً - از این تاریخ به بعد مسئولیت امور مملکت ایران با
«این وزراء است در هر جای مملکت و هر نقطه از سرحدات و غیره»
«خدای نکرده عیبی بهم برسد حضرات وزراء مسئول هستند و»
«برعهده آنهاست از مالیات و قشون و نظم و سرحدات و غیره و غیره»
«و رفتار بادول خارجه و حفظ حقوق دولت و عهد نامجات ثانیاً»
«وزرای مزبور باید متعهد و متقبل شوند که سالی دو یست هزار»
«تومان نقد بخزانه اندرون بعد از وضع جمع و خرج مملکت ایران»
«برسانند که خزانه انشاءالله معمور شود .»

«ثالثاً وزراء تعهد میشوند که نگذارند حکام ولایات تعدی»
«برعایا وزیر دستان کنند و برعهده آنهاست که جمع و خرج»
«مملکت را وفق بدهند و برعهده آنهاست که بکل رعایای ایران»
«بفهمانند که در سال چقدر مالیات به دیوان بدهند و حکام و عمال»
«را منع شدید از گرفتن دیناری زیاده بر آن بنمایند .»

«رابعاً - برعهده وزراء است که قشون و سپاه دولت را منظم»
«کنند و حقوق آنها را بوقت و موقع برسانند»

«دیگر برعهده وزراء است که برات دیوان را نگذارند بی اعتبار»
«بشود و مثل سابق تومانی دو هزار بلکه کمتر برات فروشی بشود.»
«برات دولت باید طلا و نقره باشد . دیگر برعهده وزراء است»
«که حکام جابر بیمعنی را نگذارند در ولایت بمانند ، هر وقت»

«فهمیدند حاکمی متعددی است تا میتواند رفع بدی او را بکنند .
 «وضع وصول تنخواه خزانہ و حوالجات و رساندن حقوق مردم
 «و ماهیانه‌ها و فرامین آنچه برات و فرمان است باید اول فہرست
 «شود . پشت فہرست همان شہر مہر دربار اعظم و ملاحظہ شدرا
 «بنویسند بنظر برسد ما مینویسیم صحیح است بمہر برسد ،
 «مہر کنند .»

«پشت فرامین و بروات همین مہر صحیح دربار اعظم و ملاحظہ
 «شد بخط وزرای مختار باید باشد تا او نباشد بمہر مانباید برسد .
 «مہر باید نزد عضدالمک باشد .»

«تقسیم تنخواہ بروات کہ جمع میشود مثل حکیم الممالک میرزا
 «محمد حسین خزانہ ، معیر الممالک ہر سہ حاضر شوند تنخواہی
 «کہ جمع شدہ است بنویسند از روی تنخواہ حوالہ شود باید تا
 «وقتی کہ تنخواہ در مقابل نباشد یک برات حوالہ نشود و اگر بہ
 «عذر حوالہ تنخواہ بہ برات دار نرسد باعث بی اعتباری دولت است ،
 «باید ہمینکہ حوالہ شد فوراً بہ خزانہ بردہ و پول بگیرند . باندازہ
 «رسد و حصہ ہر یک تنخواہ معین بکنند و حوالہ کنند . صورت
 «تقسیم تنخواہ را در نیم ورق نوشتہ بنظر برسانند ، من می نویسم
 «صحیح است ، آنوقت بروات را بدست صاحبشان بدہند . طرز
 «حوالہ کہ چہ قسم باید حوالہ شود و کی حوالہ کند وزراء
 «بعرض برسانند .»

«قانون دولت براین است کہ این پنج نفر وزیر بہمین طورہا
 «ہمیشہ متصدی امور دولت باشند و اگر نفری از آنها جائی مأمور
 «شود و نباشد فوراً یکنفر دیگر بجای او برقرار باشد کہ عدد از
 «پنج کمتر و زیادتر نشود و قانون آنست کہ ہیچیک از این وزارت
 «تنہائی و شخصاً ہیچ حکمی نمیتواند بکنند و حکمشان و سندشان

«معتبر و مجری نیست مگر اینکه هر پنج نفر متفقاً حکمای را امضی»
 «دارند ، مگر در کارهای مختص خودشان احکام بحکام برای جواب»
 «عرض عارض و حوایج مردم و غیره و غیره آنچه صادر میشود باید»
 «بهمین نحو باشد .»

«مهر (صحیح وزرای مختار دربار اعظم) وصحه و قول پنج نفر»
 «داشته باشند این وزراء باید ملقب بوزرای مختار باشند سایر وزرای»
 «دربار اعظم وزرای غیر مختار هستند از قانون دولت محسوب میشوند»
 «برای حکومت خراسان هیچکس بهتر از شهاب الملک نیست .»
 «کمال تقویت را بکار او بکنند حکام خراسان و بجنوردیها از او»
 «ناراضی هستند اما قشوق و رعیت جزء کمال میل را باو دارند»
 «آنچه فرمایش از ما در انتظام کار میشود باید وزراء فوراً او را»
 «مجری دارند . اگر آن حکم عیبی داشته باشد بدون خجالت عرض»
 «کنند که نمیشود فلان عیب را دارد ، ما قبول میکنیم بدون اکراه»
 «واسطه عرایض وزرای مختار و گرفتن جواب عرایض امین»
 «السلطنه باشد . وزراء بهیچوجه مداخله بامور خلوت و غیره که»
 «راجع بدولت ندارد نکنند . ماهی هزار تومان نقد به آجودان»
 «مخصوص برای صرف جیب و مخارج خورده از خزانه بدهند ،»
 «از غره ربیع الاول ایتیل .»

«سالی دویست هزار تومان از مالیات باسم خزانه اندرون معین»
 «کنند که بخزانه برده شود و این پول را بالمره موضوع از جمع و»
 «خرج بدانند و محلش را از گمرک قرار بدهند .»

«وزرای مختار مسلط و مقتدر هستند هر چه مصلحت دولت را»
 «بدانند حکم بکنند مجری شود و هیچ حکمی از آنها باید غیر مجری»
 «نماند . اجرای احکام را بعهده علاءالدوله بگذارند با وصول»
 «تنخواه و مالیات و هر مصلحتی ببینند ما قبول داریم .»

«نوشته بودم ماهی هزار تومان برای صرف جیب بدهند چون»
 «بسیار کم است اقلا ماهی دو هزار تومان باید بدهند . در این ۶ ماه»
 «که عکاسباشی صرف جیب باو داده شده است هشتاد هزار تومان»
 «جمع او شده است که بمخارج رسانده است و همه از وجوه متفرقه»
 «جمع او شده است که هیچ دخلی بمالیات ندارد . چون حالا اختیار»
 «وجوه متفرقه را هم بوزراء میدهم و خود نمی خواهم به خرج دولت»
 «بدهند . لهذا ماهی دو هزار تومان لازم است بمصرف جیب برسد.»
 «وزراء در عزل و نصب حکام و غیره یا هرکاری تازه بخواهند»
 «بکنند باید ابتداء دلایل حسن و قبح و وجوب آن کار را بعرض»
 «برسانند بعد از آنکه فهمیدم صحیح است و صحه گذاشتم مجری»
 «و معمول شود . نوشته بودم وزراء پنج نفر باشند باید شش نفر»
 «باشند یکی از آنها اضافه میشود (عمادالدوله) است .»

«وزراء هر روز سه ساعت علیالاتصال مشغول امور متعلقه بدولت»
 «باشند و بالاتفاق بعد از آن میتوانند در وزارتخانه های خودشان»
 «بامور مختصه خود رسیدگی کنند یعنی بامور مختصه دولتی . در»
 «امور مختصه سپرده به خودشان هم هرامری اهمیتی پیدا کند باید»
 «باز بشور همدیگر بالاتفاق آن کار را فیصل بدهند مثلا در کار»
 «وزارت خارجه مهمی بهم برسد باید هر شش نفر وزیر بمشورت»
 «وصوابدید یکدیگر آن کار را باتمام برسانند و قرار بدهند و»
 «همچنین در امور قشون و مالیات و غیره .»
 «قرار حواله بروات بخزانة :

«يك مهر دیگر کوچکی بکنند که آن هم درپیش مهر های ما»
 «نزد عضدالملک باشد . هر براتی که باید حواله شود آن جائی را»
 «که صدراعظمها بخط خود حواله خزانة میکردند با اجازه و صلاح»
 «دید وزراء در حواله همان مهر را در آن مکان حواله بزنند همینکه»

«خزانه‌دار آن مهر را درپرات دید فوراً باید تنخواه نقد بصاحب»
«برأت بدهد.»

گمرک و ضرابخانه

درسال ۱۲۹۲ گمرکات بصورت يك وزارتخانه درآمد و بنام وزارت گمرک نامیده شد وزیر گمرک مقاطعه کار کل گمرکات میرزا قهرمان امین لشکرشد و اونیز مردی و لخرج بود و درافزایش درآمد گمرک و وصول حقوق دیوانی توفیقی نیافت.^{۱۶}

تاسال ۱۲۹۴ درشهرهای مختلف در مرکز ایالات و ولایات سکه ضرب میشد و معیرالممالک در تهران بود و دستعلی خان معیرالممالک مدتی نیز وزیر خزانه بود و جریان وصول مالیاتها و نگاهداری موجودی خزانه و جواهرات سلطنتی با و محول بود و تا اندازه‌ای درآمد دولت رو بافزایش نهاد و این خود موجب شد که وزرا و متنفذان باتکای افزایش درآمد دولت براقلام هزینه افزودند از طرف معیرالممالک بهر شهر معیری فرستاده میشد که در ضرب سکه بانظر او تعیین عیار شود در این سال ضرابخانه تازه‌ای در تهران ترتیب داده شد که زیر نظر يك کارشناس آلمانی و چند فرانسوی اداره میشد. درسال ۱۲۹۶ هجری زیر نظر میرزا علیخان امین‌الدوله ضرابخانه تازه‌ای وسیله آقامحمد ابراهیم امین‌السلطان آبدارباشی بکار افتاد که ضرب سکه در تهران تمرکز یافت.

چون درسال ۱۲۹۰ هجری سفر اول ناصرالدینشاه بفرنگک پیش آمد گفته شد شاه به تقلید از کشورهای فرنگک خواست درجهت شرکت مردم در اداره امور کشور اقداماتی نماید ازینرو از عده‌ای از افراد طرف و ثوق خود دارالشورای کبیری تشکیل داد چنانکه

۱۶- برخی از وقایع این زمان در نامه دانشوران و مرآت‌البلدان آمده است.

اشاره شد و چون در بهبود اوضاع مالی و اداری مؤثر واقع نشد سال بعد به تشکیل مجلس دیگری بنام مجلس وکلای دولت پرداخت ریاست این مجلس مانند دارالشورای کبری بامیرزا علی خان امین الدوله بود و اعضای آن بارئیس هشت تن بودند که مشاغل دیوانی نداشته و در واقع مجلس شورای سلطنتی بوده و جنبه مشورتی در کار داشتند. در سال ۱۲۹۹ میرزایوسف مستوفی الممالک که از رجال نیک نام بود رئیس الوزراء شد و بانتظام امور مالی پرداخت ولی او هم بر اثر آشفتگی اوضاع مالی و دیوانی و مداخله بیگانگان و متنفذان در کارها در اصلاح امور مالی توفیقی نیافت. میزان دریافت مالیاتها را در آغاز دوران ناصرالدینشاه در حدود ۶۰۲۷۹۹۴۰ قران ضبط کرده اند.

و اما بارون رویتز برای استرداد ودیعه ای که دولت ایران ضبط کرده بود بدولت انگلستان و عوامل آن دولت همچنان متشبث میشد. در سال ۱۳۰۳ هجری میرزا یوسف مستوفی الممالک رئیس الوزراء درگذشت سه سال بعد در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۰۶ برای جبران ادعای رویتز امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی و حق انتشار پول کاغذی برای شصت سال باو واگذار شد.

سرپرسی سایکس که مدتی قونسول انگلیس در خراسان بوده است در کتاب تاریخ ایران که برشته تحریر در آورده راجع بوضع مالی کشور پیش از انقلاب مشروطه شمه ای نگاشته که نمونه ای از وضع و میزان عواید مالیه کشور را بطور نمونه در خراسان نشان میدهد و ماقسمتی از آنرا در اینجا نقل مینمائیم :

« عواید و درآمدها - برای تشریح موضوع مالیات بهتر است برای « مثال يك استان مخصوص را در نظر بگیریم و برای این منظور من « خراسان را که با وضع آن خیلی آشنائی دارم انتخاب میکنم مالیات « در قدیم و حال از ارقام زیر گرفته میشد : «

- « ۱- مالیات غلات و صیفی »
- « ۲- مالیات بر کسبه و صنوف »
- « ۳- مالیات اغنام و احشام »
- « ۴- مالیات سرانه »
- « ۵- مالیات معادن »
- « جمع مالیات و عواید خراسان از منابع فوق در سال ۱۹۰۵ میلادی »
- « مبلغ یکصد و سی و هفت هزار و هفتصد و سیزده (۱۳۷۷۱۳) لیره نقد »
- « و بیست و یک هزار و هفتصد و هفتاد و هشت (۲۱۷۷۸) تن غلات »
- « (گندم و جو) جنسی بود . مقدار زیادی از غلات بجیره خواران »
- « و قشون داده میشد فقط یک هزار و صد و شصت (۱۱۶۰) تن برای »
- « فروش باقی می ماند مسئله تعیین قیمت غلات اشکالات زیاد داشت »
- « و بدیهی است که در آخر از این طریق هم چیزی عاید دولت نمیشد »
- « والی خراسان مبلغی در حدود سی هزار لیره بیش از حد نصاب مالیات »
- « خراسان جمع مینمود . بعداً چهارده هزار لیره بشاه و شش هزار »
- « لیره بصدر اعظم بعنوان پیشکش میپرداخت بدین طریق ده هزار »
- « لیره باقی می ماند که بین وزیر و والی تقسیم میکردند . »
- « این مبلغ فقط چند صد منافع والی را نشان میدهد و ارقام زیر »
- « را باید بدان افزود : »
- « الف - چند درصد از حقوق کلیه مستمریات نقدی بعلاوه بیست »
- « درصد از وظائف و انعامات جنسی . »
- « ب- منافی از محل دادگستری که فوقاً بدان اشاره شد . »
- « ج- منافی از روش حکومتهای کوچک و بخشدارها و دیگر مشاغل »
- « مثلاً شخصی چهار صد لیره میپرداخت تا به شغلی منصوب گردد . »
- « چند ماه بعد او را از آن کار منفصل مینمودند و جانشین او مبلغ »
- « دو بیست لیره برای همان شغل میپرداخت و امید داشت که آن پست را »

« تا شب عید نگاه دارد. »^{۱۷}

« د- فرستادن مامورین مخصوص برای بازجوئی در شکایات واقعی
 « یاساختگی که حکام محلی مبالغه زیادی باین مامورین میپرداختند و
 « آنها هم بنوبه خود میبایستی آن پول را بار بار بابهای خود پرداخته
 « فقط صدی چند آنرا برای خود نگاه دارند .
 « ه- تمولهای بادآور- مثلا مرگک ثروتمندان که در چنین مواقع
 « استاندار یا فرماندار بزور مبالغه زیادی از وارث میگرفتند . »

۳- مالیات گذاری

« از بین پنج نوع مالیاتهای بالا اول مالیات بر محصول و غله است
 « واحد این مالیات از روی تخم است یعنی از هر سه تخمی يك تخم
 « بدولت تعلق میگیرد هر تخمی بمقدار يك دهم محصول حقیقی خود
 « یعنی شش هزار و پانصد پوند (در حدود ۲۹۲۵ کیلوگرم) گندم
 « تقدیم میکرد و بدین ترتیب مالیاتی که گرفته میشود یکدهم میباشد
 « و بعشر مرسوم است اساس این مالیات از زمان خیلی قدیم بوده و
 « واگرچه معمولاً پنجاه درصد بیش از حد معمول گرفته میشد معمهذا
 « چندان سنگین نبود در بعضی دهات محصول بمرور ایام افزایش
 « یافته بود و چون در میزان مالیات تغییری داده نشده بود بدین جهت
 « میزان آن بسیار ناچیز و فقط اسمی از آن باقی بود .
 « مالیات بر کسبه و صنعتگران بر روی اصناف بسته میشد و هر صنف
 « مسئول پرداخت مالیات خود بود . میزان مالیات سرانه از هر خانواری
 « هشت شلینگ بود اصولاً مالیات از درآمد جمع آوری میشد نه از
 « هر خانواری . میزان مالیات گله از هر رأس شش پنس بود ولی اینجا »

۱۷- این فساد که در دستگاه حکومتی ایران دیده میشد جای انکار نیست ولی باید گفت نتیجه مستقیم و غیر مستقیم سیاست استعمار طلبانه دولت متبوع سرپرستی سایکس و رقیب او روسیه تزاری بوده است .

« نیز طرز جمع‌آوری خیلی ناقص بود ایلات و عشایر ایران که »
 « بزرگترین گله‌داران میباشند مالیات خود را توسط رؤسای ایل »
 « میپردازند مالیات بر معادن فقط شامل معادن مشهور فیروزه در »
 « نیشابور میگردید در ایران نه فقط مالیاتهای قانونی جمع‌آوری میشود »
 « بلکه در پاره‌ای موارد مالیاتهای عجیبی نیز اجرا و معمول میگردد »
 « مثلاً دهی در یک قرن پیش برای تهیه گهواره برای پسر فرماندار »
 « مجبور پرداخت مبلغی پول شده بود و این هنوز کماکان باقی بود »
 « و هر ساله آن مبلغ بهمان نام دریافت میگردد در بعضی نقاط »
 « مالیاتهایی بعنوان مخارج تهیه سوار برای مبارزه با ترکمنها و »
 « تهیه فشنگک و اسب برای طویله شامی و غیره تا هم اکنون گرفته »
 « میشود . »

باید گفت مالیات بوسیله حکام یا مستوفیان و سررشته‌داران وقت بطور سرجمع دریافت میشد و آنان گاه دست تعدی باموال مردم گشوده یا از فرستادن مالیاتها بخزانه دولت آنچه وظیفه و مقرر بوده است خودداری میکردند یا اینکه باخرج تراشیمهای بیموده و عناوین دیگر حتی الامکان از فرستادن مالیات شانه خالی کرده از سوی دیگر اشراف و متنفذان بسیاری از ولایات و دهات خالصه املاک دولت را تیول خود کرده و میتوان گفت بعدها خانها و رؤسای ایلات و عشایرگاه از ضعف حکومت مرکزی یا انقلابات داخلی و آشفتگی اوضاع استفاده کرده حقوق دیوانی را نیز نمیپرداختند ، درآمدهای گمرکات هم در آن موقع یا وثیقه قروض خارجیها بود یا مورد تصرف خوانین و یاغیان محلی قرار میگرفت و باین ترتیب درآمد ناچیزی عاید خزانه دولت میشد و اگر هم عایدات دیگری مأموران محلی میگرفتند عموماً بجیب خود ریخته و وجهی بمرکز نمیفرستادند ادامه این رویه موجب شد در زمان ناصرالدین شاه و جانشین او مقادیر زیادی از جواهرات سلطنتی بطلبکاران یادرباریان

بخشیده شود و برخی از اموال و مقامات دولتی معامله گردد .
عدم وصول مالیات و بذل و بخششهای شاهانه و مسافرتهاى
خارجی و ولخرجیها باعث استقراضهای خارجی و تصرفات حکام
و مأموران وصول موجب پاشیده شدن شیرازه بنیه مالی کشور گردید .

چگونگی تنظیم بودجه

پیش از این گفته شد که در این زمان بودجه مملکت بوسیله
مستوفیان و محررین آنها زیر نظر وزیر دفتر تنظیم میشد و هر
استان و شهرستانی دفتری داشت که حاوی اقلام درآمد و هزینهها
بوده و این دفتر را در مرکز مستوفیان نگهداری نموده و با دفترهای
ولایات تطبیق میکردند و اغلب اتفاق میافتاد که يك مستوفی دفتر
چندین شهرستان را تنظیم یا زیر نظر داشت . بایستی در نظر داشت
که وزیر دفتر یا وزیر مالیه فقط مسئول هزینه تمام قسمتهای
حکومتی باستثنای قشون بود زیرا بودجه قشون را لشگرنویسان
زیر نظر وزیر لشگر تهیه میکردند در آن زمان حقوق افراد لشگری
از صاحب منصب و سرباز مستمر و مادام العمر بود و پس از مرگ
نصف آن بورثه متوفی بوسیله فرمان منتقل میشد و در دفترهای
سررشته داری بنام ورثه او ثبت میگردد و چون حقوق بعنوان کار
و شغل داده نمیشد متصدیان حق هیچگونه اظهار نظر در پرداخت
نداشتند و بدین لحاظ بود که لشگرنویسان مخارج قشون را از صاحب
منصبان و افراد و هزینههای لشگرکشی و قورخانه و کشیکخانه و
امثال آن تهیه نموده و پس از ملاحظه وزیر لشگر جهت اجرا
بمستوفیان تسلیم میکردند البته واضح است که در آن زمان بودجه
کل بطوری که صورت ریزه هزینه و درآمد مرکز و شهرستانها از
کشوری و لشگری در يك دفتر تنظیم شود تنظیم نمیگردید چنین بود
که بودجه هر قسمت در دفتر مربوط بخود نوشته میشد و علاوه

بر وزیر دفتر و وزیر لشکر دو مقام مالی دیگر نیز در قسمت تنظیم بودجه و تحصیل درآمد دخالت داشتند که یکی وزیر بقایا و دیگری وزیر خزانة بود .

وزیر بقایا زیر نظر صدراعظم بود و با مستوفی الممالک و وزیر دفتر همکاری داشت و سعی داشت مطالبات مالیاتی دولت سوخت و سوز نشود و مسئولیت عمده او مطالبه حساب و وصول بقایای مالیاتی از حکام ولایات بود که صورت بقایا را برای تنظیم بمستوفیان محل می سپرد که وصول نمایند .

وزیر خزانة مسئول کلیه عواید و مخارجی بود که پس از برداشت مخارج هر شهرستان بحساب خزانة حواله میشد مانند عواید گمرک و ضرابخانه که مستقیماً بحساب خزانة منظور میگشت و قسمتی از مخارج مملکت از همین حساب برداشت و پرداخت میگردد خزانة داری نیز دارای متصدیانی بود که زیر نظر وزیر خزانة انجام وظیفه میکردند .

اما طرز تنظیم دفترها - در ماه هفتم هر سال حکمی مبنی بر تهیه دفترهای ولایات و ایالات از طرف وزیر دفتر صادر میگشت و بوسیله وزیر بقایا بمستوفیان ابلاغ میگردد که موظف بودند ابواب جمعی شهرستانهای مربوط به خود را تا آخر سال تنظیم و نزد وزیر بقایا بفرستند دفتر مزبور قبلاً بوسیله اشخاص خبره و بصیر یا هیئت هائی مورد رسیدگی قرار میگرفت و صحت ارقام تأیید و بوزیر دفتر تسلیم میشد و وزیر دفتر هم پس از آنکه آنرا بصحبه شاه میرساند جهت اجرا بوسیله وزیر بقایا بحکام ولایات ابلاغ میکرد و بدین گونه بودجه مملکت تنظیم و بتصویب میرسید .

با آنکه پیش از مشروطیت در دوره استبداد برای امور مالی قانونی وجود نداشت اما رسوم و عاداتی معمول بود که گاه پیش از

قانون استحکام داشت مثلا برقراری مستمری یا اعطای خالصهجات انتقالی با فراد با فرمان شاه صورت میگرفت ولی فرمان شاه وقتی معتبر بود که باصطلاح آنزمان دفتری شده باشد یعنی مستوفی محل و وزیر دفتر آنرا ثبت و مهرکنند و این عمل در صورتی ممکن بود که مستمری در بودجه محل خرج داشته باشد و بعضی اوقات هم اتفاق میافتاد که وزیر دفتر بعلت عدم اعتبار فرمان شاه را رد میکرد .

از وزیران دفتر معروف دوره قاجاریه یکی میرزاهدایت نواده میرزا کاظم (اولین مستوفی دوره فتحعلیشاه) بود که پدرش میرزا حسن وزیر در جوانی خودکشی کرد .

از سال ۱۳۰۳ هجری قمری تا زمان صدارت عینالدوله تصدی وزارت دفتر استیفا (وزارت دارائی) بعهده میرزا هدایتالله وزیر دفتر بود که پیش از آن وزیر لشگر بود و با عنوان وزیر دفتر سمت وزارت دفتر استیفا نیز داشت مجموعه ای از جزوه های گردآورده میرزا هدایتالله وزیر دفتر در بایگانی مجلس شورای ملی نگهداری شده است و مقداری کتابچه دستورالعمل سررشته داران و فرمانها و پروات نزد مرحوم احمدانواری معاون پیشین وزارت دارائی بود که در اختیار نگارنده گذاشت . پس از میرزا هدایت وزیر دفتر فرزند او میرزا حسین وزیر دفتر شد و او را وزیر دفتر ثانی گفته اند مدت پنجسال آخر سلطنت ناصرالدین شاه و قسمت اعظم دوره سلطنت مظفرالدین شاه میرزا هدایت وزیر دفتر و وزیر استیفا بود . دفترهایی که زیر نظر وزیر دفتر تنظیم میشد عبارت از دفتر جزو جمع ، دفتر بودجه ، دفتر اوراچه و دفتر محاسبه بود .

پیش از مشروطیت وزیر مالیه لقب مستوفی الممالک داشت و او بر همه مستوفیان نظارت داشت باید کمی بعقب برگردیم میرزا حسن مستوفی الممالک محمد شاه بود پس از او میرزا یوسف مستوفی

الممالك در هجده سالگی بوسیله امیر کبیر بلقب مستوفی الممالکی مفتخر شد و چون او درگذشت پسرش میرزا حسن دویم در ده سالگی بسال ۱۳۰۳ لقب مستوفی الممالک یافت و تا هنگام مرگ این سمت را داشت و وی در زمان مشروطه وزیر مالیه و چند بار رئیس الوزراء شد. مستوفیان نامبرده همه از مردان درستکار و اصلاح طلب بودند. محمد رضا صفادرنامه دانشوران^{۱۸} ضمن اشاره به وضع مالی زمان قاجار نام مستوفیان را که در دفتر استیفا و وزارت مالیه در زمان تصدی ناصرالملک همدانی انجام وظیفه میکردند آورده است که از نظر توجه به عناوین و مشاغل آنان شایان توجه است.

چگونگی کار مستوفیان

هریک از مستوفیان که زیر نظر مستوفی الممالک کار میکردند يك کتابچه دستورالعمل (جمع و خرج) یکسال ایالت و یا ولایتی را تهیه میکرد. هر مستوفی موظف بود در آغاز هر سال صورت جمع و خرج هر ولایت را در کتابچه دستورالعمل تنظیم نماید و توسط وزیر بقایا بوزیر دفتر تقدیم دارد و از طرف وزیر دفتر عده ای به کتابچه ها رسیدگی میکردند و چون گزارش آنها مبنی بر صحت و درستی ارقام میرسد کتابچه را وزیر دفتر مهر کرده و بمهر مستوفی الممالک که گاه صدراعظم بود یا بمهر صدراعظم میرساند و او بصره شاه رسانده برای اجرا ابلاغ میشود.

چگونگی کار مستوفیان آن بود که بیشتر کار خود را در خانه انجام میدادند و در اواخر سال هفته ای چند روز در دفتر برای انجام کارهای جمعی حاضر میشدند و اغلب سفره رنگین ناهار هم در تالار بزرگی روی زمین گسترده میشد و بعضی اوقات حتی ارباب رجوع در خوردن ناهار با مستوفیان همراهی میکردند.

۱۸- نامه دانشوران از محمد رضا صفا تألیف در ۱۲۹۶ هجری .

حقوق مستوفیان و میرزاها از محل تومانی يك عباسی بود (صدی دو) که در مقابل صدور بروات یعنی حواله مستمریها از محل عایدات ولایات حوزه خودشان از مودیان مالیاتی دریافت میشد که حقوق و همه مخارج مستوفیگری از این محل پرداخت میگشت. برای هر فرد^{۱۹} و برای مستوفی هر محل و برای برات نویسها همه حق العمل معین بود. طرز عمل شهرستانها چنان بود که بر طبق کتابچه و دستور العملی که وسیله مستوفیان مربوط به عنوان مستوفی ولایت یا ایالت تهیه شده بود مالیات هر محل را يك قلم بدون صورت ریز طبق جزو جمع مینوشتند و حقوق خود را نیز بخرج ولایات میاوردند زیرا حقوق بگیران یا از مرکز حقوق میگرفتند یا از حواله ولایات سپس آن دستور العمل بعد از موافقت وصحه شاه توشیح شده برای اجرا بحکام و والیان ابلاغ میشد بموجب آن دستور العمل مالیات ولایات وصول گشته مختصری از آن طبق دستور بمصارف محلی رسیده و مازاد را بمرکز میفرستادند. زیرا کتابچه مزبور حاوی دو قسمت بود یکی جمع آوری مالیاتها که وسیله حکام باید وصول گردد و دیگری مخارجی که در محل باید پرداخت شود یا از مرکز دستور پرداخت داده میشد تشکیلات حکومتی هر ولایت و ایالت نیز از وصول درآمد محل تأمین و اداره میشد. عواید بودجه هر ایالت و ولایت همان جزو جمع محلی بود و بودجه خرج همان کتابچه.

دستور العمل

و اما مازاد وصول شهرستانها برای هزینه های پایتخت به تهران فرستاده میشد و در مرکز بمصرف حقوق کارکنان دولت و مستوفیان و سررشته داران میرسید و همچنین برای پرداخت مستمریها که بموجب

۱۹- فرد يك سیاهه يك لتی بود مانند يك برگ کاغذ که روی آن جمع و خرج محلی نوشته میشد.

فرمان در دفتر دیوانی ثبت شده بوده و هزینه جشنهای دولتی و نگاهداری بیوتات سلطنتی صرف میشد و این رویه تا زمان ناصرالملک همدانی قراگزلو ادامه داشت و اما برای وصول مالیات هر چند سال یکبار منابع درآمد مالیاتی ممیزی میشد.

در سال ۱۳۰۳ هجری بافرمانی که ناصرالدین شاه صادر کرد «شورای تنظیمات» برای اصلاحات تشکیل شد و برای وصول مالیاتها طرحهایی برقرار گشت.

بموجب ماده يك این فرمان میزان مالیات و گمرک هر ولایت و دهستان باید تعیین گردد و مالیات مقرر در دفتر مستوفیان ثبت شود و يك نسخه از آن به حکام ابلاغ گردد.

همچنین مقرر گردید بدون آنکه محصلان مالیاتی به بدهکاران مراجعه نمایند آنان به تعهدات مالیاتی خود عمل نمایند چون شکایات بسیار از محصلان مالیاتی رسیده بود که بمردم اجحاف میکنند بقایای مالیاتی را نیز قرار شد با قسط بپردازند و بابت بدهکاران مساعدت شود.

برای آگاهی عموم مقرر گردید این فرمان چاپ شده در همه مملکت با اطلاع مردم برسد تا از وظایف خود آگاه گشته و مأموران و محصلان مالیاتی به آنها اجحاف ننمایند چون در هر ولایت حکام چند برابر مالیات حقه بزور میستاندند باین مناسبت اختیار تعیین میزان مالیات از مأموران و محصلین مالیاتی سلب و به معتمدان محل واگذار شد و در مالیاتها بخشودگی هائی قائل شدند. تشکیلات وصول برای اجرای این فرمان چنان بود که برای هر ولایت يك مستوفی و يك سررشته دار تعیین شد تا صورتهای مالیاتی را با تفاق تنظیم نمایند.

بموجب تصمیم وزارت مالیه در سال ۱۳۰۷ هجری املاک ممیزی شد و مقرر گردید در این ممیزی اساس وصول بر عواید حاصله از محصول باشد و اساس بنیچه بندی برای دریافت مالیات و سرپاز —

گیری و بیگار تجدید شود .

در ۲۸ رجب سال ۱۳۰۸ امتیاز نامه انحصار دخانیات بیکی از اتباع انگلیس واگذار شد بموجب این امتیاز شرکت هیأت دخانیات شاهنشاهی ایران در لندن بنام رژی تأسیس شد و چون این اقدام با مخالفت مردم و روحانیون روبرو شد و حاج میرزا حسن شیرازی فتوایی مبنی بر تحریم استعمال تنباکو صادر کرد ناچار امتیاز نامه در ۱۶ جمادی الاول ۱۳۰۹ لغو گردید و دولت ایران ناچار شد پانصد هزار لیره از بانک انگلیس وام گرفته و بابت خسارت بپردازد .

میرزا علی اصغر خان امین السلطان پسر آقامحمد ابراهیم آبدارباشی پس از مرگ پدر لقب امین السلطان گرفت و در سال ۱۳۱۰ هجری قمری بصدارت رسید او مرد زیرک و ولخرج و رفیق باز بود که تمایلات سیاسی او نیز مورد اعتماد نبود . بار دیگر ناصرالدینشاه در ذیحجه ۱۳۱۱ بوسیله میرزا علی اصغر خان امین - السلطان معافی مالیاتی دو صنف نانوا و قصاب را در تهران عمومی نموده و آنها را مرفوع القلم داشت و سپس این فرمان در شهرستانها اجرا گردید . در زمان ناصرالدینشاه بر اثر ارتباط با کشورهای خارجی و آگاهی از روشهای اداری و مالی آن کشورها این رویه بتدریج و بتناسب اوضاع و احوال کشور و شایستگی اولیای امور در ایران نیز بکار برده شد .

و اما در زمان میرزا علی اصغر خان امین السلطان در نتیجه مسافرتها شاه بفرنگ و بندل و بخششهای او وضع مالی آشفته گشت روس و انگلیس در کارها مداخله داشتند و مالیاتها بدرستی وصول نمیشد و درآمدها کاهش یافت شاه پس از مدتی متوجه خرابی اوضاع گشت . تا جائیکه در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه تعادل بودجه که بر اثر اقدامات مجدانه و اصلاح طلبانه امیرکبیر برقرار

شده بود از بین رفت و بناچار چند بار درصدد اصلاح تشکیلات مالی کشور برآمدند در این مورد نامه مخبرالدوله به ناصرالدین شاه که در محافل آن زمان انعکاس شایان توجهی بخشید قابل ذکر و توجه است که در زیر نقل میشود :

«دولت علیه هرگز مقروض نبود و حالا دو سال است قرض»
 «لأعلى التعمین. در سال گذشته هشت کروور تعیین میشد در هذ السنه»
 «بسبب تنزل نقره دوازده کرور شده است والبته در سنوات آتیه»
 «زیادتر خواهد شد چند سال است که در بعضی ممالک آثار شورش»
 «ظاهر میشود و حال آنکه در ایران هیچوقت شنیده نشده بود»
 «مأمورین دول خارجه سالهای تمامی در مهام خود بموجب عهد نامجات»
 «خود گفتگو میکردند و در این اواخر بقوت شخصی حرکت میکنند»
 «والبته جایز نیست و باید جلوگیری کرد. مالیات ایران در سابق»
 «یک قسمت نصیب خزانه میشد و مدتی است نامساعده گرفته نشود»
 «و مبلغی قرض ننمایند و گاهی هم چیزی از خزانه بیرون نیارزند»
 «حساب سالیانه پرداخت نمیشود حکام ممالک محروسه همیشه تابع»
 «احکام دربار و دولت بودند و حالا مطیع حکامند باقی کتابچه های»
 «سابق بلاصرف بخزانه میرسد بطور قطع حالا حکام مخارج بی معنی»
 «میتراشند و به پای مالیات مینویسند و از اقساط دیوان کسر میکنند»
 «پاره ئی اوقات هم طلبکار میشوند سابق دو ایر دولت هر یک بخوبی»
 «راه میرفت و مدیران دولت مشغول کار بودند اقلا حفظ صورت»
 «نوعی را میکرد حالا اسمی از آنها نیست مثل اینست که همه معز و آند.»
 «امروز همه ایران در دست سه چهار نفر میرزای نکره است که آنها»
 «بمیل خود هستند و البته خیانت مردم پست از مردمان نجیب عاقل بیشتر»
 «است پس برای رفع این معایب باید ترتیبی داده شود که خوبتر»
 «باشد و آن از سه قسم خارجه خواهد بود. قسم اول اینست که شخص»
 «اعلاى سلطنت از میان چاکران آستان هشت نفر نوکری که بنظر»

«مبارکشان مناسبتر مینماید بمیل خاطر الهام مظاهرا انتخاب فرموده»
 «بر سرکارها بگمارند وانتظام هرکاری را از آن وزیر یا مدیر»
 «بخوانند وزیر جنگ - وزیر داخله - وزیر خارجه - وزیر دفتر -»
 «وزیر وظایف - وزیر تلگراف - وزیر عدلیه - رئیس الوزراء»
 «قسم دیگر اینستکه این هشت نفر را بدون شغل و کار احضار»
 «فرموده حکم شده بنشینند وچند قسم جهت ترتیبات خدمات دولت»
 «بنویسند وبعرض برسانند تا هر یک را که میل دارند قبول فرمایند.»
 «قسم سوم اینستکه برای ملاحظاتی چند که یداً واحداً نباشد»
 «وزحمت دولت روز بروز کمتر شده ایران را بچهار اداره تقسیم»
 «فرموده بهر یک از آن هیئت که میل دارند یک قسمت را بسپارند»
 «وتمام نیک و بد از ایشان بدانند. مدیر یکی از آن چهار اداره یا»
 «یک وزیر از آن هشت وزیر ممکنست صدراعظم باشد.»
 «ناصرالدینشاه در جواب مخبرالدوله نوشت:»

«مخبرالدوله؟ عریضه شما را دیدیم. آفرین بر خدمات شما و»
 «زحمات پدر شما. بر پدر مردم مفسد لعنت، نان و نمک دولت»
 «انشاءالله نوکرهای خائن را بگیرد فردا صبح خیلی زود بیایید»
 «در خانه خداوند انشاءالله شمارا برای من نگاهدارد.»

باری در تعقیب این نامه و نامه‌ها و اقدامات دیگر بدستور شاه
 اعتماد الدوله و صنیع الدوله و مخبرالدوله حدود وظایف هیئت
 دولت و رئیس الوزراء و مقررات قانونی را تنظیم کردند و نخستین
 دولت مطابق معمول کشورهای راقیه تشکیل گردید.

بایدگفت در سال ۱۳۰۱ هجری قمری میرزا عبدالرحیم قائم
 مقام طباطبائی تبریزی بجای امیرنظام گروسی پیشکار آذربایجان
 شد و در اوایل صفر ۱۳۰۳ بر اثر سوء تدبیر و بدرفتاری که بامردم
 داشت بر علیه او شورشی شد که خانه او بغارت رفت و ناچار از

پیشکاری آذربایجان برکنار گردید در آن هنگام مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز بود او شاهزاده عبدالمجید میرزاعینالدوله را به پیشکاری آذربایجان به مرکز پیشنهاد کرد ناصرالدین شاه این پیشنهاد را باصرار ولیعهد باکراه پذیرفت . در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و صدارت امین السلطان که میخواستند امین الدوله در تهران نباشد در سال ۱۳۱۳ چندماه امین الدوله پیشکار مالیه آذربایجان شد و تا امین السلطان صدراعظم بود او در آذربایجان بود . گفته شد میرزا علی اصغر خان امین السلطان از خزانه دولت بذل و بخشش بسیار میکرد و از این راه برای خود دوستان و یارانی میگرفت . در زمان او اوضاع مالی بیش از پیش آشفته گردید در هفدهم ذیقعد ۱۳۱۳ ناصرالدین شاه کشته شد امین السلطان با زرنگی و مهارت اوضاع را حفظ کرد تا مظفرالدینشاه با پیرامونیانش که چندین سال در تبریز بودند به تهران آمد . امین السلطان در دوره صدارت خزانه داری و گمرک و ضرابخانه را نیز زیر نظر داشت و بدستکاری ملکم خان (ناظم الدوله) امتیازاتی باتباع انگلیس داد و ازین بابت او و ملکم خان رشوه ها گرفتند .

در آغاز سلطنت مظفرالدینشاه امین السلطان چندماه صدراعظم بود تا در سال ۱۳۱۴ هجری قمری بر اثر خرابی وضع مالی برکنار شد و امین الدوله از آذربایجان احضار گشت و بصدارت رسید امین الدوله مرد اصلاح طلبی بود و عقیده داشت برای اصلاح مالیه و گمرک و خزانه و پست و ضرابخانه از وجود مستشاران بیگانه استفاده نماید برای این منظور و اصلاح گمرکات يك هیئت بلژیکی بریاست نوزبایران دعوت شدند چگونگی کار مستشاران بلژیکی و اقدامات آنان در گمرکات و خزانه مبحث جداگانه ایست مظفرالدینشاه که در حدود چهل سال در تبریز ولیعهد بود نوکران بسیار پیدا کرده بود که همه آنها حقوق بگیر بودند هزینه اندرون و سفرهای

ناصرالدینشاه و مظفرالدینشاه بفرنگک عامل دیگر خرابی وضع مالی بود امینالدوله مقداری از مستمریات و وظایفی که امینالسلطان برقرار کرده بود برید و از بذل و بخششها جاوگیری کرد اینکار موجب تحریکات امینالسلطان و یاران او علیه امینالدوله شد .

در نتیجه امینالدوله در سال ۱۳۱۶ از صدارت برکنار شد و امینالسلطان با عنوان اتابك اعظم بجای او منصوب گشت امینالسلطان برای جبران کمبود درآمد بی درنگ اقدام بچند فقره وام خارجی نمود و از جمله درآمد گمرکات و بنادر را بوثیقه گذاشت و وجوه دریافتی را صرف پرداخت حقوق و مستمریات مفتخواران و هزینه مسافرت شاه بفرنگک (۱۳۱۸-۱۳۲۰ هـ ق) نمود .

در سال ۱۳۱۸ وام دیگری ازدولت انگلیس گرفته شد و شیلات دریای خزر درآمد پستخانه و گمرکات فارس و خلیج فارس بگروگان گذاشته شد .

نوز بلژیکی در سال ۱۳۲۱ هجری قمری با اختیارات وزیر گمرک شد .

وام دیگری نیز از روسیه تزاری گرفته شد که گمرکات شمال و غرب بوثیقه گذاشته شد .

در زمان مظفرالدینشاه همزمان بادریافت دویمین وام ازدولت روسیه تزاری درآمد دولت ایران بالغ بر یک میلیون و نیم لیره بوده است . ۲۱

اتابك برای امور مملکتی تشکیلات تازه ای داد در این تشکیلات وزارت گمرک بود اما وزارتخانه ای بنام مالیه نبود و امور مالی

همچنان زیر نظر مستوفیان اداره میشد و امور خزانه زیر نظر مستقیم شاه. این وضع همچنان ادامه داشت تا مظفرالدینشاه موافقت کرد وزارت مالیه تشکیل شود و صنایع الدوله بطور موقت وزیر خزانه تعیین گردید ولی چون شاه مایل نبود اختیار خزانه را بدست وزیر مسئولی بسپارد و امور مالی کشور را تابع مقررات و قوانین مأخوذه از کشورهای غربی سازد ازینرو روز بروز وضع مالی کشور وخیم تر میشد تا جائیکه صنایع الدوله ضمن شرح مفصلی وضع خراب مالیه و خزانه را بعرض شاه رساند و گناه آنرا بگردن دیگران گذاشت و مظفرالدینشاه در پاسخ عریضه او نوشت: «قال اقول را بگذارید کار بکنید.»

در نتیجه خرابی اوضاع مظفرالدینشاه در جمادی الثانی ۱۳۲۱- هجری قمری امین السلطان اتابک اعظم را از کار برکنار کرد و شاهزاده مجید میرزا عین الدوله را بسمت صدراعظم انتخاب نمود. عین الدوله که مرد مستبد و خودخواهی بود در آغاز کار بمسالمت پرداخت و بمردم نوید اصلاحات داد ولی پس از چند ماه تغییر رویه داد این زمان مصادف با کوششهای مردم برای تشکیل عدالتخانه و مشروطه خواهی بود عین الدوله جانب استبداد را گرفت و در نتیجه بامردم درگیری پیدا کرد و مردم عزل او را از شاه خواستند شاه ناچار عین الدوله را برکنار و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله را در جمادی الثانی ۱۳۲۴ بصدارت تعیین کرد.

در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری برابر ۱۴ امرداد ماه ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت صادر شد و در ۲۷ جمادی الثانی همان


سال مجلس شورایملی بی وجود نمایندگان ملت با حضور مدعوین و شاهزادگان و علماء در محل مدرسه نظام گشایش یافت اما در هجدهم شعبان ۱۳۲۴ قمری برابر مهرماه ۱۲۸۵ خورشیدی مجلس شورایملی گشوده شد و در ۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ قمری قانون اساسی بتصویب رسید و امور مملکتی از جمله امور مالی صورت قانونی یافت و ناصرالملک همدانی بسمت نخستین وزیر مالیه زمان مشروطه تعیین شد. درآمد دولت ایران در سال ۱۳۲۵ هجری قمری از بابت مالیاتها ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ قران و در سال ۱۳۳۰ مبلغ ۱۱۹۲۵۳۷۹۹ قران بوده است .





سند دیگری

درباره گهرکات ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

از

محمد علی کریمزاده تبریزی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی